مجله مطالعات حقوق

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۸

تحلیل تطبیقی حمایت حقوقی از آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا

محبوبه فرشاد[۱]

چکیده

با پیشرفت شتابان فناوری‌های نوین به‌ویژه هوش مصنوعی، فرایند خلق آثار ادبی، هنری و علمی دیگر صرفاً در انحصار انسان نیست، چراکه سامانه‌های هوش مصنوعی اکنون قادرند بدون دخالت مستقیم انسان، آثار خلاقانه‌ای تولید کنند که از لحاظ ساختاری و محتوایی، تفاوت چندانی با آثار انسانی ندارند. این پدیده، نظام‌های حقوق مالکیت فکری را با چالش‌های بنیادینی روبه‌رو ساخته و پرسش‌هایی اساسی را در خصوص قابلیت حمایت قانونی از این آثار و تعیین شخص یا نهادی که می‌تواند به‌عنوان دارنده حقوق آن‌ها شناخته شود، مطرح کرده است. در همین راستا، مقاله حاضر با اتخاذ رویکردی تطبیقی، به بررسی وضعیت حمایت حقوقی از آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی در نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه اروپا می‌پردازد. یافته‌ها، حاکی از آن است که نظام حقوقی ایران در این زمینه با کاستی‌های قابل توجهی مواجه است؛ زیرا قوانین موجود عمدتاً بر مبنای فرض انسان‌محور بودن خالق اثر تنظیم شده‌اند و در نتیجه، امکان شناسایی حقوق برای آثار مستقل تولیدشده توسط ماشین را فراهم نمی‌سازند. در مقابل، اتحادیه اروپا رویکردی آینده‌نگرانه‌تر اتخاذ کرده و تلاش‌هایی را برای تدوین مقرراتی با هدف حمایت محدود و مشروط از این آثار آغاز کرده است. این تفاوت رویکردها نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری‌های حقوقی ایران به‌منظور انطباق با تحولات فناورانه و پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور در حوزه مالکیت فکری است، به‌ویژه آنکه توسعه و تجاری‌سازی محصولات مبتنی بر هوش مصنوعی در سال‌های پیش‌رو نقش پررنگ‌تری خواهد یافت و شناسایی جایگاه حقوقی آثار تولیدی این فناوری از اهمیت روزافزون برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی، حقوق مالکیت فکری، حق مؤلف، آثار غیرانسانی، ایران، اتحادیه اروپا.

[۱] کارشناسی ارشد، جزا و جرم شناسی، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران (نویسنده مسئول) m.farshad9558@yahoo.com

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۸

مقدمه

فناوری هوش مصنوعی[1] در سال‌های اخیر با سرعتی بی‌سابقه در حال تحول و گسترش است و این تحولات تأثیرات عمیقی بر حوزه‌های مختلف زندگی انسان، به‌ویژه در زمینه تولید محتوا و آثار فکری گذاشته‌اند. هوش مصنوعی اکنون در فرآیندهای تولید محتوا نفوذ کرده و از تحلیل داده‌های عظیم و شناسایی الگوهای رفتاری مخاطبان گرفته تا خلق متون، تصاویر و ویدیوهای شخصی‌سازی شده[2]، نقش کلیدی ایفا می‌کند(کیانپوریان،۱٤۰۳: ۱۲).

این فناوری، با توانایی‌های پیشرفته در پردازش زبان طبیعی و یادگیری ماشین، کیفیت و دقت محتوای تولید شده را به طرز چشمگیری بهبود داده و امکان تولید محتوایی منسجم، دقیق و متناسب با نیازهای خاص مخاطبان را فراهم ساخته است(ابوذری و شفیعی،۱۳۹۹: ۲۵).

از سوی دیگر، هوش مصنوعی باعث افزایش سرعت تولید و نشر محتوا شده است. سیستم‌های مدیریت محتوای هوشمند[3] به تولیدکنندگان محتوا این امکان را می‌دهند که حجم بیشتری از محتوا را در زمان کمتر تولید کنند و به سرعت به نیازهای بازار و مخاطبان پاسخ دهند. همچنین، شخصی‌سازی محتوا بر اساس تحلیل رفتار کاربران، موجب افزایش تعامل و ارتباط موثرتر با مخاطب می‌شود که این امر در بازاریابی دیجیتال و کمپین‌های تبلیغاتی اهمیت فراوانی دارد(حسنی آهنگر،۱۳۹۵: ٤۸).

با پیشرفت‌های روزافزون در حوزه هوش مصنوعی، انتظار می‌رود که این فناوری در آینده قادر به تولید محتوای پیچیده‌تر، خلاقانه‌تر و چندوجهی باشد که شامل متن، تصویر، ویدیو و صدا به صورت همزمان است. این پیشرفت‌ها مرزهای شناختی و خلاقیت در تولید محتوا را گسترش می‌دهند و نقش هوش مصنوعی را به عنوان یک دستیار فکری در کنار انسان تثبیت می‌کنند. با این حال، چالش‌هایی نیز در زمینه ارتقای خلاقیت و اصالت محتوای[4] تولید شده توسط هوش مصنوعی وجود دارد که تحقیقات در این حوزه همچنان ادامه دارد.

از منظر حقوقی، این تحولات فناوری هوش مصنوعی چالش‌های نوینی را در نظام‌های حقوقی مختلف ایجاد کرده است. آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی ماهیت و خاستگاه متفاوتی نسبت به آثار سنتی دارند و این موضوع باعث شده که نظام‌های حقوقی به ویژه در ایران و اتحادیه اروپا به دنبال تطبیق مقررات خود با این فناوری نوین باشند. تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در رویکردهای حقوقی این دو نظام قابل مشاهده است که نیازمند بررسی و تحلیل دقیق است تا چارچوب‌های قانونی منسجم و هماهنگ برای حمایت از حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آثار هوش مصنوعی شکل گیرد(احمدوند و جهانشانی،۱٤۰۲: ۱۰٦).

با توجه به رشد سریع فناوری هوش مصنوعی و نقش فزاینده آن در تولید آثار فکری و محتوایی، ضرورت دارد که نظام‌های حقوقی به طور دقیق و منسجم به حمایت از این آثار بپردازند. این حمایت‌ها نه تنها باید حقوق تولیدکنندگان را

---

[1]- Artificial Intelligence
[2]- Personalized Videos
[3] - Intelligent Content Management Systems
[4]- Content Authenticity

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۸

تضمین کند، بلکه باید اطمینان حقوقی لازم برای توسعه و نوآوری در فناوری هوش مصنوعی را نیز فراهم آورد. در غیر این صورت، نبود چارچوب قانونی مشخص می‌تواند منجر به عدم قطعیت حقوقی، کاهش انگیزه‌های نوآوری و مشکلات در تعاملات بین‌المللی شود. در اتحادیه اروپا، تلاش‌های قابل توجهی برای تنظیم این حوزه صورت گرفته است؛ از جمله تصویب مقرراتی مانند مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر و مسئولیت محض برای سیستم‌های پرخطر هوش مصنوعی که نشان‌دهنده توجه جدی به ابعاد حقوقی این فناوری است. این مقررات سعی دارند تعادل مناسبی بین حمایت از حقوق افراد[1] و تشویق به نوآوری[2] برقرار کنند(انصاری،۱۴۰۱: ۵۹).

در مقابل، در حقوق ایران، این موضوع هنوز در حال شکل‌گیری است و رویکردهای متفاوتی در خصوص مسئولیت مدنی و حمایت از آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی وجود دارد. فقدان چارچوب قانونی منسجم و هماهنگ در این زمینه می‌تواند باعث بروز مشکلاتی از جمله عدم اطمینان حقوقی برای فعالان حوزه فناوری، کاهش سرمایه‌گذاری در این بخش و دشواری در تعاملات بین‌المللی شود. بنابراین، انجام تحقیق و بررسی تطبیقی میان نظام‌های حقوقی مختلف، به ویژه ایران و اتحادیه اروپا، اهمیت فراوانی دارد تا بتوان سیاست‌ها و مقررات بهتری تدوین کرد و از تجارب موفق بهره‌مند شد. بر همین اساس، مسئله اصلی این تحقیق، تحلیل تطبیقی حمایت حقوقی از آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که آثار هوش مصنوعی ماهیت و ویژگی‌های خاصی دارند که با آثار سنتی متفاوت است و نظام‌های حقوقی باید پاسخ مناسبی به این تغییرات بدهند. سوالی که مطرح می‌شود این است که، چگونه نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه اروپا به موضوع حمایت از آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی می‌پردازند؟

چارچوب نظری

هوش مصنوعی، به معنای هوش[3] و توانایی‌هایی است که توسط ماشین‌ها و سیستم‌های کامپیوتری برای انجام فعالیت‌های هوشمندانه و تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. این فراداده به ماشین‌ها امکان می‌دهد تا الگوها را تشخیص داده، داده‌ها را تحلیل کرده و مسائل را مدیریت کنند. هوش مصنوعی شامل مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و الگوریتم‌ها است که به ماشین‌ها این قابلیت را می‌دهد تا با بررسی و تحلیل داده‌ها، الگوهای پنهان در آن‌ها را شناسایی کنند و بر اساس آن‌ها تصمیم‌گیری کنند. این فناوری در حال حاضر در بسیاری از زمینه‌ها مانند رباتیک، پردازش زبان طبیعی، تشخیص تصویر، پشتیبانی تصمیم‌گیری، خودران‌سازی[4] و سیستم‌های هوشمند به کار می‌رود. هدف اصلی هوش مصنوعی ایجاد سیستم‌هایی است که قادر به انجام وظایفی مشابه به انسان باشند و در برخی موارد حتی بتوانند عملکرد بهتری نسبت به انسان داشته باشند(کیانپوریان،۱۴۰۳: ۲۱).

[1]- Individual Rights Protection
[2]- Innovation Encouragement
[3]-Intelligence
[4]-Autonomous Driving

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۸

به عبارتی، هوش مصنوعی به مجموعه‌ای از تکنیک‌ها، الگوریتم‌ها و فرآیندهای کامپیوتری اشاره دارد که به کامپیوترها و سیستم‌های مصنوعی امکان می‌دهد کارهایی را انجام دهند که به نظر می‌رسد نیازمند انسانیت و هوش ذهنی باشند. هدف اصلی هوش مصنوعی، شبیه‌سازی و تقلید عملکرد انسانی در زمینه‌هایی مانند تصمیم‌گیری، یادگیری، استدلال، تشخیص الگو، پردازش زبان طبیعی و بینایی ماشینی می‌باشد. تکنیک‌ها و روش‌های مختلفی در دسته‌بندی هوش مصنوعی وجود دارد که شامل موارد زیر می‌شود:

-یادگیری ماشینی[1]: این رویکرد به کامپیوترها امکان می‌دهد از داده‌ها یاد بگیرند و با استفاده از الگوریتم‌های مختلف، پتانسیل تشخیص الگوها و انجام پیش‌بینی‌ها را داشته باشند.

-شبکه‌های عصبی مصنوعی: این مدل‌ها به تقلید از ساختار مغز انسان پرداخته‌اند. اطلاعات با استفاده از نورون‌های مصنوعی در لایه‌های مختلف پردازش می‌شود و این مدل‌ها برای مسائل پیچیده‌تر مانند تصویربرداری و تشخیص الگو بسیار مؤثر هستند.

-پردازش زبان طبیعی[2]: این حوزه به کامپیوترها امکان می‌دهد تا متون و گفتار انسانی را تشخیص داده و تفسیر کنند. این امر شامل ترجمه ماشینی، تولید متن خودکار، تحلیل مضمون متون و مکالمات با کامپیوترها می‌شود.

-بینایی ماشین[3]: این زمینه به کامپیوترها امکان می‌دهد تصاویر و ویدئوها را تحلیل و تشخیص دهند. این شامل تشخیص و شناسایی اشیاء، چهره‌ها، شناسایی وضعیت و ویژگی‌های تصاویر می‌شود.

-منطق فازی: در این رویکرد، مفاهیمی مانند صحیح یا غلط با در نظر گرفتن ابهامات و مبهمی‌ها تعریف می‌شوند. این به کامپیوترها امکان می‌دهد با مفاهیم پیچیده‌تر و واقع‌نزدیک‌تر کار کنند.

هوش مصنوعی به صورت یکی از فناوری‌های پیشرفته و چالش‌برانگیز، در مختلف صنایع و زمینه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و بهبودهای چشمگیری در کارکردها و امکانات مختلف ارائه داده است(زیودار،۱۴۰۱: ۱۵۵۹).

انواع هوش مصنوعی از منظر تولید محتوا

هوش مصنوعی در تولید محتوا به عنوان یکی از فناوری‌های نوین، انواع متنوعی دارد که هر کدام با ویژگی‌ها و کاربردهای خاص خود در فرآیند خلق محتوا[4] نقش ایفا می‌کنند. این انواع را می‌توان از منظر نوع محتوای تولیدی و کاربردشان در حوزه‌های مختلف بررسی کرد.

ابزارهای تولید محتوای متنی از جمله پرکاربردترین انواع هوش مصنوعی در این زمینه هستند. ابزارهایی مانندChatGPT، Jasper AI، Copy.aiو Writesonic با بهره‌گیری از مدل‌های زبانی پیشرفته، قادر به تولید متن‌هایی در قالب‌های مختلفی مانند مقاله، پست‌های شبکه‌های اجتماعی، ایمیل‌های تبلیغاتی و سایر فرمت‌های متنی هستند. این ابزارها با ارائه متونی روان، قابل فهم و گاه تخصصی، به نویسندگان انسانی در خلق محتوا کمک می‌کنند و می‌توانند سرعت تولید محتوا

[1]-Machine Learning
[2]-Natural Language Processing - NLP
[3]-Computer Vision
[4]- Content Generation Process

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۸

را به طور قابل توجهی افزایش دهند. به عنوان مثال، Jasper AIبا ادغام قابلیت‌هایی مانند بررسی سرقت ادبی و اصلاح گرامری، تولید محتوای ۱۰۰ درصد منحصربه‌فرد و بدون خطا را تسهیل می‌کند (Zoomit, 2025). همچنین، Writesonicکه بر پایه فناوری GPT-3 و GPT-4 ساخته شده است، امکان تولید انواع محتوا از جمله مقالات بلند، پست‌های شبکه‌های اجتماعی و تبلیغات[1] را فراهم می‌آورد و قابلیت‌هایی مانند بهینه‌سازی برای سئو و پیشنهاد کلمات کلیدی را نیز دارد (Quera, 2024). این ابزارها معمولاً امکان تعیین لحن و سبک نوشتاری[2] را نیز به کاربر می‌دهند تا محتوایی متناسب با نیازهای خاص تولید شود.(DMBoard, 2025: 5)

ابزارهای تولید محتوای بصری نیز یکی دیگر از انواع هوش مصنوعی هستند که با استفاده از توصیف‌های متنی، تصاویر خلاقانه و هنری خلق می‌کنند. از جمله این ابزارها می‌توان به DALL-E اشاره کرد که توانایی تولید تصاویر دیجیتال با کیفیت بالا بر اساس ورودی‌های متنی را دارد. این نوع ابزارها به تولید محتواهای تصویری کمک می‌کنند و در حوزه‌هایی مانند تبلیغات، طراحی گرافیک و رسانه‌های اجتماعی کاربرد فراوانی دارند.(Quera, 2024: 12)

ابزارهای چندمنظوره نیز وجود دارند که توانایی تولید محتوا در چندین حوزه را دارند و گاهی از زبان‌های مختلف از جمله فارسی پشتیبانی می‌کنند. به عنوان نمونه، HyperWriteابزاری است که در حوزه‌های مختلف تجاری و بازاریابی محتوا[3] فعالیت دارد و می‌تواند به تولید محتوا در زبان فارسی نیز کمک کند، که این ویژگی باعث افزایش دسترسی و کاربرد آن در بازارهای فارسی‌زبان شده است.(DMBoard, 2025: 24)

از نظر کیفیت و سرعت تولید، این ابزارها تفاوت‌هایی دارند؛ برخی از آنها کیفیت بالاتری در تولید محتوا ارائه می‌دهند و برخی دیگر سرعت بیشتری دارند. همچنین، برخی ابزارها دارای قابلیت‌های پیشرفته‌ای مانند ایده‌پردازی، بهینه‌سازی محتوا و اصلاح خودکار هستند که به نویسندگان انسانی در تکمیل و ارتقای محتوای تولید شده کمک می‌کنند. به طور کلی، انتخاب ابزار مناسب بستگی به نوع محتوا، نیازهای خاص کاربر و زبان مورد استفاده دارد.

تفاوت بین خالق انسانی و سیستم هوش مصنوعی در فرآیند تولید اثر

در فرآیند تولید محتوا، خالق انسانی[4] و سیستم هوش مصنوعی تفاوت‌های بنیادینی دارند که ریشه در ماهیت و توانایی‌های هر یک از آنهاست. خالق انسانی از توانایی‌های شناختی، عاطفی و تجربی بهره می‌برد که هوش مصنوعی هنوز قادر به بازتولید کامل آنها نیست. انسان‌ها می‌توانند بین ایده‌های مختلف ارتباط منطقی و خلاقانه[5] برقرار کنند، ساختارهای پیچیده و منسجم بسازند و با توجه به تخصص و دانش خود، محتوایی عمیق و متناسب با نیازهای مخاطب تولید نمایند. این توانایی‌ها به انسان امکان می‌دهد تا نه تنها اطلاعات را منتقل کند، بلکه احساسات، ارزش‌ها و دیدگاه‌های منحصر به فرد خود را نیز در اثر خود بگنجاند.(Amabile, 1996: 45)

1- Advertisements
2- Tone and Writing Style Selection
3- Content Marketing
4- human creator
5- logical and creative connection

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۸

در مقابل، هوش مصنوعی عمدتاً بر پایه الگوریتم‌ها و داده‌های پیشین عمل می‌کند و توانایی خلق ایده‌های کاملاً نوآورانه یا درک عمیق مفاهیم را ندارد. سیستم‌های هوش مصنوعی بیشتر به عنوان ابزارهای کمکی برای ایده‌پردازی، تکمیل و بهینه‌سازی متن‌ها به کار می‌روند و معمولاً محتوای تولید شده توسط آنها فاقد عمق تخصصی و گاهی تکراری است. این سیستم‌ها می‌توانند حجم زیادی از محتوا را در زمان کوتاه و با هزینه کمتر تولید کنند، اما کیفیت و جذابیت محتوای آنها معمولاً به پای محتوای انسانی نمی‌رسد.(Boden, 2016: 102)

از نظر اقتصادی و زمانی، هوش مصنوعی مزایای قابل توجهی دارد. این فناوری قادر است در مدت زمان کوتاه، حجم زیادی از داده‌ها را پردازش و محتوا تولید کند که برای پروژه‌های بزرگ و نیازمند سرعت بالا بسیار مفید است. با این حال، محتوای تولید شده توسط انسان از نظر کیفیت، خلاقیت و ارتباط عاطفی با مخاطب[1] برتری دارد. بنابراین، بهترین رویکرد در تولید محتوا، استفاده ترکیبی از هوش مصنوعی به عنوان دستیار و انسان به عنوان خالق اصلی است. این ترکیب می‌تواند بهره‌وری[2] را افزایش داده و کیفیت نهایی اثر را تضمین کند.(Shneiderman, 2020: 34)

اقسام آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی

آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعیشامل انواع متنوعی هستند که هر یک ویژگی‌ها و کاربردهای خاص خود را دارند و میزان دخالت انسان در تولید آنها متفاوت است. این آثار را می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد: متون نوشتاری، تصاویر و محتوای بصری، و محتوای چندرسانه‌ای.

متون نوشتاری[3] یکی از رایج‌ترین انواع آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی است. این متون شامل مقالات علمی، پست‌های شبکه‌های اجتماعی، ایمیل‌های تبلیغاتی، بازنویسی محتوا و سایر نوشته‌هایی می‌شود که توسط ابزارهای پیشرفته‌ای مانندChatGPT ، Jasperو Copy.ai تولید می‌شوند. این ابزارها با استفاده از پردازش زبان طبیعی (NLP) و یادگیری ماشینی قادر به تولید متونی هستند که از نظر ساختاری و محتوایی با نوشته‌های انسانی قابل رقابت‌اند. علاوه بر تولید محتوا، برخی از این ابزارها مانند Jenni و Paperpal به پژوهشگران در نگارش علمی، بازنویسی، پارافریز کردن و استناددهی به منابع کمک می‌کنند و حتی قابلیت بررسی سرقت ادبی را نیز دارند که کیفیت و اعتبار علمی آثار تولید شده را افزایش می‌دهد(لطیف زاده،۱۳۹۷: ۵۸).

تصاویر و محتوای بصری[4] نیز یکی دیگر از اقسام آثار هوش مصنوعی است که به طور فزاینده‌ای در حال توسعه و گسترش می‌باشد. ابزارهایی مانند DALL-E قادرند تصاویر هنری و خلاقانه‌ای را بر اساس دستورات متنی تولید کنند. این تصاویر می‌توانند در زمینه‌های مختلفی از جمله هنر دیجیتال، تبلیغات و طراحی مورد استفاده قرار گیرند. ویژگی بارز این نوع آثار، تولید بصری خلاقانه و نوآورانه بدون نیاز به دخالت مستقیم هنرمند انسانی است که امکان خلق آثار هنری جدید[5] را به صورت خودکار فراهم می‌آورد(لطیف زاده و همکاران،۱۴۰۰: ٤٤٢).

---

[1]- emotional connection with the audience
[2]- productivity
[3]- Textual Content
[4]- Visual Content
[5]- New Artistic Works

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۸

محتوای چندرسانه‌ای به ترکیبی از متن، تصویر و گاهی صوت گفته می‌شود که توسط برخی ابزارهای پیشرفته هوش مصنوعی تولید می‌شود. این نوع محتوا می‌تواند شامل ویدئوهای آموزشی، پادکست‌های تولید شده خودکار و یا ارائه‌های چندرسانه‌ای باشد که در آن‌ها هوش مصنوعی نقش مهمی در هماهنگی و تولید بخش‌های مختلف ایفا می‌کند. این دسته از آثار معمولاً در پروژه‌های پیچیده‌تر و با هدف ارائه محتوای غنی‌تر و تعاملی‌تر کاربرد دارند و میزان دخالت انسان در آن‌ها بسته به نوع پروژه می‌تواند متغیر باشد. هر یک از این اقسام آثار هوش مصنوعی دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد و کاربردهای خاص خود هستند که می‌توانند در حوزه‌های مختلف علمی، هنری و تجاری به کار گرفته شوند. همچنین، نحوه استناد و ارجاع به این آثار در پژوهش‌های علمی نیز به سرعت در حال تغییر است و شیوه‌نامه‌های جدیدی مانند شیوه‌نامه استناد به ابزارهای هوش مصنوعی به سبک APA توسط مراکز علمی تدوین شده‌اند تا چارچوب مشخصی برای استفاده آکادمیک[1] از این آثار فراهم آورند(نظرپور و همکاران،۱۳۹۹: ۲۰۹).

درجه وابستگی به مداخله انسانی

در فرآیند تولید محتوا با هوش مصنوعی، درجه وابستگی به مداخله انسانی به طور قابل توجهی متغیر است و معمولاً در سه حالت اصلی مشاهده می‌شود که هر کدام ویژگی‌ها و کاربردهای خاص خود را دارند. نخستین حالت، تولید محتوا به صورت کاملاً خودکار و بدون دخالت مستقیم انسان است. در این حالت، هوش مصنوعی با استفاده از الگوریتم‌ها و مدل‌های یادگیری ماشین، متن یا تصویر را به طور مستقل تولید می‌کند و نقش انسان محدود به بررسی نهایی و اصلاحات احتمالی می‌شود. این شیوه به ویژه در تولید محتوای پایه، فنی یا تکراری که نیاز به خلاقیت و احساسات انسانی ندارد، کاربرد دارد و می‌تواند سرعت و مقیاس‌پذیری تولید محتوا را به طور چشمگیری افزایش دهد(نجاتی و همکاران،۱٤۰۰: ۸-۹).

حالت دوم، تولید محتوا به صورت ترکیبی است که در آن انسان نقش اصلی در ایده‌پردازی، ساختاردهی و ویرایش محتوا دارد و هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار کمکی برای بهینه‌سازی، تکمیل و ارائه پیشنهادات به کار گرفته می‌شود. این رویکرد به بهره‌گیری از توانایی‌های خلاقانه و شناختی انسان در کنار قدرت پردازشی و سرعت هوش مصنوعی می‌پردازد و معمولاً در تولید محتواهای تخصصی، خلاقانه و نیازمند دقت بالاتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این حالت، هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک دستیار هوشمند برای جمع‌آوری سریع اطلاعات، اصلاحات زبانی و ارائه ایده‌های تکمیلی عمل کند. حالت سوم، تولید محتوا توسط انسان با کمک هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار است. در این شیوه، خلاقیت و کنترل اصلی محتوا در دست انسان است و هوش مصنوعی صرفاً برای انجام وظایف جزئی مانند تحقیق سریع، جمع‌آوری ایده‌ها و اصلاحات سطحی به کار می‌رود. این مدل وابستگی به مداخله انسانی بسیار بالاست و هوش مصنوعی نقش مکمل دارد، به گونه‌ای که محتواهای تولید شده دارای اصالت، خلاقیت و احساسات انسانی[2] می‌باشند که هوش مصنوعی به تنهایی قادر به خلق آن‌ها نیست. این رویکرد به ویژه در تولید محتواهای هنری، ادبی و تخصصی که نیازمند درک عمیق انسانی هستند، کاربرد دارد(موسایی و همکاران، ۱٤۰۰: ۱۱۲).

[1]- Academic Use
[2]- lack of human creativity and emotion

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۸

از سوی دیگر، باید توجه داشت که هر چند هوش مصنوعی می‌تواند بسیاری از فرایندهای تولید محتوا را خودکار کند، اما همچنان وابستگی به دانش و مداخله انسانی در بسیاری از جنبه‌ها وجود دارد. هوش مصنوعی قادر به خلق دانش جدید یا تولید محتوای کاملاً نوآورانه[1] نیست و برای تضمین کیفیت، صحت و اصالت محتوا نیازمند بازبینی و اصلاح انسانی است. همچنین، فقدان خلاقیت و احساسات انسانی در محتواهای تولید شده توسط هوش مصنوعی یکی از محدودیت‌های مهم این فناوری است که باعث می‌شود نقش انسان در فرآیند تولید محتوا همچنان حیاتی باقی بماند(مرتضوی،۱۳۸٤: ۷۷).

بهترین رویکرد برای تولید محتوای با کیفیت، استفاده ترکیبی و همزمان از هوش مصنوعی و مداخله انسانی است. این ترکیب نه تنها باعث افزایش سرعت و کاهش هزینه‌ها می‌شود بلکه امکان خلق محتوای خلاقانه، دقیق و متناسب با نیازهای مخاطبان را فراهم می‌آورد. هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک ابزار کمکی قدرتمند[2] در کنار خلاقیت و دانش انسانی عمل کند تا تولید محتوا را به سطح بالاتری از کیفیت و کارایی برساند.

اصول شناسایی اثر در نظام حقوق مالکیت فکری

در نظام حقوق مالکیت فکری، شناسایی اثر بر اساس اصول و معیارهای مشخصی انجام می‌شود که نقش اساسی در تعیین مالکیت حقوق مادی و معنوی اثر دارند. نخستین و مهم‌ترین اصل، نویسندگی یا خلاقیت[3] است؛ بر این اساس، اثر باید محصول خلاقیت انسانی باشد و خالق اثر باید به طور مشخص تعیین شود. این اصل بر مبنای این فرض استوار است که حقوق مالکیت فکری متعلق به انسان‌ها است و آثار باید از تلاش و ابتکار افراد ناشی شوند. دومین اصل، اصالت و نوآوری[4] است؛ یعنی اثر باید جدید و اصیل باشد و صرفاً تقلیدی از آثار دیگر نباشد. این اصل تضمین می‌کند که حقوق مالکیت فکری به آثار واقعی و نوآورانه تعلق گیرد و از کپی‌برداری‌های ساده جلوگیری شود. سومین اصل، قابل مشاهده بودن اثر است؛ بدین معنا که اثر باید به صورت ملموس، قابل مشاهده یا شنیداری ارائه شود تا بتوان آن را شناسایی و حمایت کرد. این اصول به طور کلی چارچوبی برای تعیین مالکیت حقوقی اثر فراهم می‌آورند و در نظام‌های حقوقی مختلف پذیرفته شده‌اند(کارکن،۱۳۹۳: ۱٦).

با این حال، ظهور فناوری هوش مصنوعی چالش‌های جدی در شناسایی اثر و تعیین مالکیت آن ایجاد کرده است. سیستم‌های هوش مصنوعی قادر به تولید آثار هنری، متون ادبی، موسیقی و سایر محصولات خلاقانه هستند، اما این آثار به طور مستقیم توسط انسان خلق نشده‌اند بلکه توسط الگوریتم‌ها و داده‌های آموزشی[5] تولید می‌شوند. این موضوع باعث شده که مفهوم خلاقیت انسانی و نویسندگی به چالش کشیده شود، زیرا قوانین مالکیت فکری فعلی[6] عمدتاً بر اساس خالق انسانی طراحی شده‌اند و آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی در این چارچوب جای نمی‌گیرند. در نتیجه، سوالات

---

[1]- innovative
[2]- powerful assistive tool
[3]- Authorship or Creativity
[4]- Originality and Innovation
[5] - Training Data
[6]- Current Intellectual Property Laws

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱–۱۸

مهمی مطرح می‌شود: آیا آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی قابلیت حمایت حقوقی دارند؟ اگر پاسخ مثبت است، مالکیت این آثار به چه کسی تعلق دارد؟ آیا توسعه‌دهنده نرم‌افزار[1]، کاربر سیستم یا حتی هوش مصنوعی خود باید مالک شناخته شود؟ این مسائل هنوز در بسیاری از نظام‌های حقوقی پاسخ قطعی ندارند و نیازمند چارچوب‌های قانونی جدید و مدل‌های مشارکتی مالکیت هستند که بتوانند حقوق و مسئولیت‌های مرتبط با آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی را به طور شفاف تعریف کنند(عظیمی و اسماعیلی، ۱۴۰۰: ۱۰۵).

از سوی دیگر، مسئله اصالت و نوآوری در آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی نیز پیچیده است. سیستم‌های هوش مصنوعی معمولاً برای آموزش خود از داده‌های موجود استفاده می‌کنند که ممکن است شامل آثار محافظت شده توسط حقوق مالکیت فکری باشد. این امر می‌تواند منجر به تولید آثاری شود که شباهت قابل توجهی به آثار اصلی دارند و در نتیجه پرسش‌هایی درباره نقض حقوق مؤلف و تقلید مطرح می‌شود. بنابراین، علاوه بر شناسایی خالق و مالک اثر، باید به مسأله استفاده منصفانه و حاکمیت بر داده‌ها نیز توجه شود تا از سوءاستفاده و نقض حقوق مالکیت فکری جلوگیری شود(انصاری، ۱۴۰۰: ۲۶۷).

برای پاسخ به این چالش‌ها و تطبیق نظام حقوق مالکیت فکری با تحولات فناوری، پیشنهاد می‌شود که چارچوب‌های قانونی جدیدی تدوین شود که تعاریف دقیق‌تری از خلاقیت، نویسندگی و مالکیت در زمینه آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی ارائه دهند. همچنین، مدل‌های مشارکتی مالکیت که حقوق بین توسعه‌دهندگان، کاربران و سایر ذینفعان را تقسیم می‌کنند، می‌توانند راهگشای مسائل مالکیتی باشند. استانداردسازی و شفافیت در قراردادها و قوانین مرتبط با هوش مصنوعی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است تا حقوق همه طرف‌ها حفظ شود و از بروز اختلافات حقوقی جلوگیری گردد.

شرایط آثار تولید شده قابل حمایت

آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی در نظام حقوق مالکیت فکری برای اینکه قابل حمایت باشند، باید شرایط خاصی را دارا باشند که محور اصلی آن‌ها نقش و عنصر خلاقیت انسانی[2] است. به طور کلی، اگر اثری به طور کامل توسط هوش مصنوعی و بدون هیچ دخالت خلاقانه‌ای از سوی انسان تولید شده باشد، معمولاً در نظام‌های حقوقی مختلف از جمله آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران قابل حمایت نیست. این اصل بر اساس این استدلال است که حقوق مالکیت فکری[3] به منظور حمایت از خلاقیت و نوآوری انسانی طراحی شده است و در نتیجه، اثری که فاقد عنصر خلاقیت انسانی باشد، مشمول حمایت قانونی نمی‌شود. یکی از شرایط مهم برای حمایت از آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی، دخالت فعال و خلاقانه انسان در فرآیند تولید اثر است. به عبارت دیگر، اگر انسان در طراحی، نظارت، یا دستوردهی به هوش مصنوعی نقش داشته و به نوعی اثر را به صورت خلاقانه شکل داده باشد، آن اثر قابل حمایت در چارچوب قوانین مالکیت فکری خواهد بود. این دیدگاه در قوانین کشورهای مختلف مانند قانون کپی‌رایت آمریکا و انگلستان نیز تأکید شده است که

[1]- Software Developer
[2]- Human Creativity Element
[3]- Intellectual Property Rights

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱–۱۸

مالکیت اثر به کسی تعلق می‌گیرد که تمامی اقدامات لازم برای خلق اثر را فراهم کرده است، نه به خود هوش مصنوعی(همتیان،۱٤۰۰: ۵۲).

علاوه بر این، قابلیت تشخیص خالق اثر یا نویسنده آن نیز از دیگر شرایط اساسی برای حمایت حقوقی است. حقوق مالکیت فکری نیازمند آن است که خالق اثر مشخص و قابل شناسایی باشد تا بتوان حقوق مربوط به او را اعمال کرد. در مواردی که اثر صرفاً توسط هوش مصنوعی تولید شده و هیچ پدیدآورنده انسانی قابل شناسایی نباشد، این آثار معمولاً در حوزه عمومی قرار می‌گیرند و از حمایت حقوقی محروم می‌شوند. این مسئله در پرونده‌های قضایی مانند Thaler v Commissioner of Patents (2021)نیز مورد بحث قرار گرفته است که در آن تلاش شده بود مالکیت اثر به هوش مصنوعی نسبت داده شود اما به طور کلی دکترین حقوقی فعلی شخصیت حقوقی برای هوش مصنوعی قائل نیست. در نظام حقوقی ایران نیز، حمایت از آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی عمدتاً از طریق قوانین حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای صورت می‌گیرد. این قوانین بیشتر به حمایت از برنامه‌نویسان و سازندگان نرم‌افزارهای هوش مصنوعی[1] می‌پردازند و برای آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی بدون دخالت خلاقانه انسان، حمایت حقوقی محدودتر است. به طور کلی، آثار باید توسط انسان خلق شده باشند تا مشمول حمایت قانونی شوند، هر چند که این آثار ممکن است با کمک رایانه یا هوش مصنوعی تولید شده باشند(انصاری،۱٤۰۱: ٦۰–٦۲).

تحلیل جایگاه عنصر «نویسنده» یا «خالق» در شناسایی اثر

عنصر «نویسنده» یا «خالق» در نظام حقوق مالکیت فکری جایگاهی اساسی و کلیدی دارد که معمولاً حقوق مادی و معنوی اثر به او اختصاص می‌یابد. نویسنده یا خالق، شخص حقیقی یا حقوقی است که با خلاقیت و ابتکار خود اثر را به وجود آورده است. این حقوق شامل دو دسته اصلی است: حقوق معنوی که جنبه اعتباری و شخصیتی دارد و حقوق مادی که مربوط به بهره‌برداری مالی از اثر است. حقوق معنوی معمولاً غیرقابل انتقال است و شامل حق انتساب اثر به خالق[2] و جلوگیری از تحریف آن می‌شود، در حالی که حقوق مادی قابل خرید و فروش و واگذاری است. در نظام‌های حقوقی، شناسایی نویسنده یا خالق اثر برای تعیین مالکیت و اعمال حقوق معنوی اهمیت حیاتی دارد. این امر به ویژه در آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی چالش‌برانگیز است، زیرا در این موارد ممکن است خالق انسانی مشخص نباشد یا نقش انسان در تولید اثر بسیار کم باشد. این وضعیت باعث ایجاد ابهام در تعیین مالکیت حقوقی و معنوی اثر می‌شود. برخی نظام‌های حقوقی ممکن است مالکیت را به کسی که ابزار هوش مصنوعی را به کار گرفته یا دستور داده است، اختصاص دهند، اما این موضوع هنوز در بسیاری از کشورها محل اختلاف و بحث است. اصل سرزمینی بودن حقوق مالکیت فکری[3] نیز بر جایگاه نویسنده تأثیر می‌گذارد. این اصل به این معناست که اعتبار حقوق مالکیت فکری محدود به قلمرو جغرافیایی است که نظام حقوقی آن را به رسمیت شناخته است. بنابراین، حقوق مادی و معنوی نویسنده یا خالق اثر در هر کشور بر اساس قوانین همان کشور تعیین و حمایت می‌شود. این اصل موجب می‌شود که در برخی کشورها حمایت از آثار فکری خارجی

[1]- Programmers and AI Software Developers
[2]- Right of Attribution to the Creator
[3]- Territoriality Principle of Intellectual Property Rights

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۸

محدود یا حتی وجود نداشته باشد، که این امر در موارد آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی پیچیدگی بیشتری ایجاد می‌کند(عبدی،۱۳۹٦: ۸۲).

نظام حقوق مالکیت فکری با هدف تشویق خلاقیت و حمایت از حقوق پدیدآورندگان شکل گرفته است. عنصر نویسنده یا خالق در این نظام، محور اصلی حقوق است و بدون شناسایی دقیق او، اعمال حقوق مادی و معنوی به درستی امکان‌پذیر نخواهد بود. در مواجهه با فناوری‌های نوین[1] مانند هوش مصنوعی، نیاز به بازنگری و تطبیق قوانین برای تعیین جایگاه خالق و نویسنده بیش از پیش احساس می‌شود.

چالش‌های اعمال اصول اثر در نظام حقوق مالکیت فکری شناسایی بر آثار هوش مصنوعی

چالش‌های اعمال اصول حقوق مالکیت فکری بر آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی، موضوعی پیچیده و چندوجهی است که در سال‌های اخیر توجه گسترده‌ای را در حوزه حقوق و فناوری به خود جلب کرده است. یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها، مسأله انتساب خلاقیت است؛ به این معنا که تعیین اینکه خلاقیت موجود در اثر به چه کسی تعلق دارد، دشوار است. در آثار سنتی، خلاقیت به انسان خالق نسبت داده می‌شود، اما در آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی، این انتساب پیچیده‌تر می‌شود، زیرا هوش مصنوعی به صورت خودکار و بدون دخالت مستقیم انسان، محتوا یا اثر خلق می‌کند. این مسأله باعث می‌شود که حقوق مالکیت فکری نتواند به سادگی به آثار هوش مصنوعی اعمال شود و در نتیجه، چالش‌های حقوقی متعددی ایجاد گردد(طهماسبی،۱۳۸۵: ۳۱).

از سوی دیگر، خلأ وجود عنصر انسانی در تولید اثر، یکی از مهم‌ترین مشکلات در شناسایی حقوق مالکیت فکری بر آثار هوش مصنوعی است. قوانین فعلی در بسیاری از کشورها، از جمله ایالات متحده و اتحادیه اروپا، تصریح دارند که حمایت حقوقی مانند حق مؤلف[2] یا حقوق معنوی، تنها به آثار تولید شده توسط انسان تعلق می‌گیرد و در صورتی که اثر به طور کامل توسط هوش مصنوعی تولید شده باشد، ممکن است این حمایت‌ها قابل اعمال نباشند. این موضوع باعث شده که بسیاری از آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی در حوزه عمومی قرار گیرند و فاقد حمایت حقوقی مشخص باشند. قابلیت اعمال حقوق معنوی بر آثار تولید شده توسط غیرانسان، چالش دیگری است که نظام‌های حقوقی با آن مواجه هستند. حقوق معنوی معمولاً به خالق انسانی اختصاص دارد و در قوانین بسیاری از کشورها، هوش مصنوعی به عنوان یک موجود حقوقی شناخته نمی‌شود. این امر باعث شده که تعیین مالکیت و حقوق مرتبط با آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی محل بحث و اختلاف باشد. به عنوان مثال، در چین برخی آثار تولید شده توسط هوش مصنوعی که حداقل مشارکت انسانی در آنها وجود داشته باشد، ممکن است تحت حمایت حقوق مالکیت فکری قرار گیرند، اما این رویکرد هنوز در سطح جهانی پذیرفته نشده است(شهبازی و همکاران، ۱٤۰۱: ۱۵-۱٦).

همچنین، عدم تطابق قوانین موجود با فناوری‌های نوین، یکی از مهم‌ترین موانع در اعمال اصول حقوق مالکیت فکری بر آثار هوش مصنوعی است. قوانین حقوق مالکیت فکری عمدتاً برای آثار انسانی تدوین شده‌اند و توانایی پاسخگویی به

[1]- New Technologies

[2] - Copyright

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۸

پیچیدگی‌های فناوری‌های هوش مصنوعی را ندارند. این موضوع باعث شده که نظام‌های حقوقی در سطح جهانی به دنبال به‌روزرسانی و ایجاد چارچوب‌های قانونی جدید برای تنظیم حقوق مالکیت فکری در زمینه آثار هوش مصنوعی باشند. سازمان جهانی مالکیت فکری[1] نیز در این زمینه اقدامات متعددی انجام داده و در سال ۲۰۱۹ فرایند مشاوره مشارکتی برای بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر سیاست‌های مالکیت فکری را آغاز کرده است که نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع است. چالش‌های عملی دیگری مانند نقض حقوق مالکیت فکری افراد نیز در این حوزه وجود دارد. مدل‌های مولد هوش مصنوعی ممکن است به طور ناخواسته خروجی‌هایی تولید کنند که شباهت زیادی به آثار دارای حق مالکیت فکری داشته باشند، که این امر می‌تواند منجر به دعاوی حقوقی و نقض حقوق مالکیت فکری شود. همچنین، استفاده از داده‌های آموزشی که تحت حمایت حقوق مالکیت فکری هستند، می‌تواند مسائل حقوقی پیچیده‌ای را به وجود آورد که نیازمند چارچوب‌های قانونی دقیق و به‌روزرسانی شده است(حسنی آهنگر،۱۳۹۵: ۵۳).

چالش‌های اصلی در اعمال اصول حقوق مالکیت فکری بر آثار هوش مصنوعی شامل مسأله انتساب خلاقیت، خلأ وجود عنصر انسانی، قابلیت اعمال حقوق معنوی بر آثار تولید شده توسط غیرانسان و عدم تطابق قوانین موجود با فناوری‌های نوین است. این چالش‌ها نیازمند بازنگری و اصلاح قوانین موجود و ایجاد چارچوب‌های حقوقی جدید برای پاسخگویی به تحولات فناوری هوش مصنوعی هستند.

وضعیت حقوقی آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، تعریفی که از "مؤلف" در قوانین حمایت از حقوق مؤلفان ارائه شده، به‌طور تلویحی و ضمنی به انسان اشاره دارد. قانون‌گذار بر این اساس فرض می‌کند که تولید اثر مستلزم اراده و شعور انسانی است و بنابراین، آثار خلق‌شده توسط هوش مصنوعی فاقد شخصیت حقوقی تلقی می‌شوند. این دیدگاه ناشی از سنت حقوقی و پیش‌فرض‌های تاریخی است که در آن‌ها قانون‌گذار به صراحت به فناوری‌های نوین و آثار تولیدشده توسط آن‌ها نپرداخته است. در قوانین فعلی ایران، تعریفی دقیق و جامع از مؤلف که شامل آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی باشد، وجود ندارد و این موضوع باعث ایجاد خلأ قانونی شده است. این وضعیت به معنای آن است که آثار خلق‌شده توسط هوش مصنوعی، به دلیل فقدان اراده انسانی، از شمول حمایت‌های قانونی موجود خارج شده و به‌عنوان آثار فاقد شخصیت حقوقی شناخته می‌شوند. این امر می‌تواند منجر به مشکلات جدی در زمینه مالکیت معنوی، حقوق نشر و بهره‌برداری اقتصادی از این آثار شود. برای مثال، در نبود حمایت قانونی مشخص، امکان ثبت حقوق مالکیت معنوی برای این آثار وجود ندارد و بهره‌برداری اقتصادی[2] و تجاری آن‌ها با ابهام و ریسک مواجه است. همچنین، نبود حمایت حقوقی می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاری و توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی در حوزه تولید محتوا را کاهش دهد(قناد و شریف،۱۴۰۰: ۱۵).

با این حال، برخی حقوق‌دانان و صاحب‌نظران حقوقی معتقدند که می‌توان با استفاده از روش تفسیر موسع، تعریفی گسترده‌تر از مفهوم "پدیدآورنده" ارائه داد که شامل برنامه‌نویسان یا کاربران نهایی هوش مصنوعی نیز می‌شود. بر اساس

[1] - World Intellectual Property Organization (WIPO)
[2]- Economic Exploitation

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۸

این تفسیر، معنای مواد قانونی تا حد امکان و با رعایت انصاف و عدالت قضایی[1] توسعه داده می‌شود. به این ترتیب، نقش انسان‌هایی که در فرآیند تولید اثر توسط هوش مصنوعی دخیل هستند، مانند برنامه‌نویسان، طراحان الگوریتم‌ها یا حتی کاربران نهایی که با هوش مصنوعی تعامل دارند، می‌تواند به‌عنوان پدیدآورنده تلقی شود. این رویکرد به ویژه در حقوق خصوصی که انعطاف بیشتری دارد، می‌تواند راهگشا باشد و امکان حمایت حقوقی از آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی را فراهم آورد(لطیف زاده،۱۳۹۸: ۷۸).

با این وجود، این نوع تفسیر هنوز در رویه قضایی ایران به‌طور گسترده پذیرفته نشده و بیشتر در سطح نظری مطرح است. استفاده از تفسیر موسع مستلزم توجه دقیق به روح و هدف قانونگذار و تطبیق قوانین موجود با تحولات فناوری است تا بتوان خلأهای قانونی را پر کرد و حقوق مؤلفان را در عصر دیجیتال حفظ نمود. در نهایت، برای حل کامل این چالش‌ها نیازمند اصلاحات صریح قانونی و تدوین مقررات جدیدی هستیم که به‌طور مشخص به آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی بپردازد و چارچوب‌های حقوقی مناسبی برای مالکیت، نشر و بهره‌برداری از این آثار تعیین کند.

حمایت حقوقی از آثار هوش مصنوعی در اتحادیه اروپا

حمایت حقوقی از آثار هوش مصنوعی در اتحادیه اروپا[2] طی سال‌های اخیر به موضوعی بسیار مهم و مورد توجه تبدیل شده است. اتحادیه اروپا با هدف ایجاد چارچوب‌های قانونی مناسب برای فناوری‌های هوش مصنوعی، به ویژه در حوزه مالکیت فکری، گام‌های اساسی برداشته است. در این مسیر، اسناد کلیدی مانند «استراتژی دیجیتال اروپا[3]» و گزارش‌های پارلمان اروپا در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۲ به بررسی دقیق چالش‌ها و فرصت‌های حقوقی ناشی از هوش مصنوعی پرداخته‌اند. اگرچه تاکنون قانون مدون و جامعی که به طور خاص مالکیت فکری آثار هوش مصنوعی را تنظیم کند تصویب نشده، اما پیشنهادهایی برای اعطای حمایت‌های موقت و مشروط به تولیدات هوش مصنوعی مطرح شده است که می‌تواند خلأهای قانونی موجود را تا حدی پر کند و مسیر قانونی برای حمایت از این آثار فراهم آورد(Georgieva & Kuner, 2022: 369).

یکی از نکات کلیدی در اسناد اتحادیه اروپا، تمایز دقیق میان آثاری است که به صورت مشترک توسط انسان و هوش مصنوعی خلق می‌شوند و آثاری که صرفاً توسط الگوریتم‌های هوش مصنوعی تولید می‌شوند. در مورد آثار مشترک، جایی که انسان نقش خلاقانه و مؤثر دارد، معمولاً حمایت‌های حقوقی مالکیت فکری به طور کامل اعمال می‌شود و حقوق مؤلف برای انسان خالق محفوظ می‌ماند. اما در مورد آثاری که به صورت کامل توسط هوش مصنوعی و بدون دخالت خلاقانه انسانی تولید می‌شوند، موضوع پیچیده‌تر و محل مناقشه است. برخی از پیشنهادهای مطرح شده در اتحادیه اروپا بر این است که به جای اعطای حق مؤلف به این آثار، حمایت‌هایی مشابه حقوق مرتبط با سرمایه‌گذاری مانند حقوق پایگاه داده به صورت موقت و محدود ارائه شود. این رویکرد به گونه‌ای طراحی شده که از تولیدات هوش مصنوعی

[1]- Judicial Justice
[2]- European Union
[3]- European Digital Strategy

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۸

حمایت کند بدون آنکه حقوق مؤلف به صورت کامل به آنها تعلق گیرد، تا تعادل میان نوآوری و حقوق مالکیت فکری حفظ شود(Finck& pallas, 2020: 13).

در ژوئن ۲۰۲٤، اتحادیه اروپا قانون جامع و پیشرو هوش مصنوعی (AI Act) را تصویب کرد که چارچوبی منسجم برای تنظیم استفاده و توسعه سیستم‌های هوش مصنوعی فراهم می‌آورد. این قانون بر اساس رویکرد مبتنی بر ریسک تدوین شده و سیستم‌های هوش مصنوعی را به چهار دسته تقسیم می‌کند: ریسک غیرقابل قبول، ریسک بالا، ریسک محدود و ریسک حداقلی. هدف این طبقه‌بندی، ایجاد تعادل میان تشویق نوآوری و حفاظت از حقوق شهروندان است. در این قانون، برخی کاربردهای هوش مصنوعی که ریسک غیرقابل قبول دارند، مانند سیستم‌های امتیازدهی اجتماعی یا نظارت بیومتریک در فضاهای عمومی، ممنوع شده‌اند. همچنین برای سیستم‌های پرخطر، الزامات سخت‌گیرانه‌ای در زمینه کیفیت داده‌ها، شفافیت[1]، مستندسازی[2] و نظارت انسانی تعیین شده است. علاوه بر این، قانون AI برای مدل‌های هوش مصنوعی عمومی مانند مدل‌های مولد[3] مقررات خاصی وضع کرده است که شامل رعایت قوانین کپی‌رایت، شفافیت در روش‌های آموزش مدل‌ها و اقدامات امنیتی می‌شود(Vander sloot, 2023: 27-29).

برای تضمین اجرای مؤثر این قانون، اتحادیه اروپا نهادهایی مانند هیئت اروپایی هوش مصنوعی و دفتر هوش مصنوعی اروپا را تأسیس کرده است. این نهادها وظیفه نظارت، هماهنگی و راهنمایی در اجرای مقررات را بر عهده دارند. همچنین، مقامات ملی در هر کشور عضو مسئولیت نظارت بر اجرای قوانین را دارند. در صورت نقض مقررات، جریمه‌های سنگینی تا سقف ۳۵ میلیون یورو یا ۷٪ از گردش مالی جهانی شرکت‌ها در نظر گرفته شده است که نشان‌دهنده عزم جدی اتحادیه اروپا برای ایجاد بازاری یکپارچه، قابل اعتماد و نوآورانه در حوزه هوش مصنوعی است. این چارچوب حقوقی همزمان با حمایت از نوآوری، سلامت و حقوق اساسی شهروندان را نیز تضمین می‌کند(Sperling,2024: 304).

اتحادیه اروپا با اتخاذ رویکردی مبتنی بر ریسک و ایجاد تمایز میان انواع آثار هوش مصنوعی، در تلاش است تا چارچوب حقوقی مناسبی برای حمایت از تولیدات هوش مصنوعی فراهم آورد. این چارچوب ضمن حمایت از نوآوری، به حفظ حقوق مالکیت فکری و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی کمک می‌کند و می‌تواند به عنوان الگویی برای سایر مناطق جهان مطرح شود. همچنین، با توجه به تأثیر گسترده مقررات اتحادیه اروپا در بازارهای جهانی، شرکت‌های فعال در حوزه هوش مصنوعی در سراسر جهان ملزم به رعایت این مقررات خواهند بود، حتی اگر در اروپا مستقر نباشند. این موضوع نشان‌دهنده نقش پیشرو اتحادیه اروپا در شکل‌دهی به استانداردهای جهانی مدیریت و قانونمندسازی هوش مصنوعی[4] است.

---

[1]- Transparency
[2]- Documentation
[3]- Generative AI
[4]- AI regulation

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱–۱۸

نتیجه‌گیری

تحلیل تطبیقی انجام‌شده میان نظام حقوقی ایران و چارچوب‌های در حال شکل‌گیری در سطح بین‌المللی، به‌ویژه در اتحادیه اروپا، نشان می‌دهد که ایران هنوز در مرحله‌ای ابتدایی از مواجهه با چالش‌های حقوقی ناشی از تولید آثار توسط هوش مصنوعی قرار دارد. قوانین مالکیت فکری موجود در ایران بر مبنای نگرش سنتی و انسان‌محور تدوین شده‌اند که در آن خلاقیت به‌مثابه امری صرفاً انسانی در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه، آثار تولیدشده توسط سامانه‌های هوشمند، حتی در صورت برخورداری از ارزش هنری، علمی یا فنی، مشمول حمایت‌های قانونی قرار نمی‌گیرند و در وضعیت بلاتکلیف قرار دارند. این خلأ حقوقی نه‌تنها باعث ناامنی حقوقی برای بهره‌برداران و توسعه‌دهندگان فناوری می‌شود، بلکه زمینه سوءاستفاده از آثار هوش مصنوعی و تضییع حقوق پدیدآورندگان انسانی در بسترهای مشترک انسانی–ماشینی را نیز فراهم می‌آورد. افزون بر این، فقدان نهادهای تخصصی برای بررسی و تدوین قواعد مرتبط با هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران، خود مانعی بر سر راه تطبیق ساختارهای قانونی با تحولات پرشتاب فناوری است.

در مقابل، اتحادیه اروپا هرچند هنوز به تصویب قوانین الزام‌آور و جامع در زمینه حقوق آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی نپرداخته، اما گام‌هایی سنجیده و پیش‌نگرانه در راستای تدوین چارچوب‌های حقوق دیجیتال برداشته است. نمونه‌ای از این رویکرد، ارائه «قانون هوش مصنوعی» در سال‌های اخیر است که گرچه تمرکز اصلی آن بر ایمنی، شفافیت و مسئولیت‌پذیری سامانه‌های هوشمند است، اما از حیث تنظیم کلی مناسبات حقوقی ناشی از کاربرد هوش مصنوعی، الگویی رو به آینده محسوب می‌شود. افزون بر آن، در فضای اتحادیه اروپا گفت‌وگوهای حقوقی و اخلاقی گسترده‌ای درباره امکان اعطای شخصیت حقوقی محدود به هوش مصنوعی، یا تعیین سازوکارهای جایگزین برای شناسایی پدیدآورنده اصلی آثار غیرانسانی، در جریان است. این رویکرد آینده‌نگر نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی پویاتر با پذیرش نیاز به تحول در مفاهیم سنتی، سعی در یافتن پاسخ‌های نوین برای مسائل ناشی از پیشرفت‌های فناورانه دارند؛ مسیری که حقوق ایران نیز ناگزیر باید با اصلاحات تقنینی و اجتهاد حقوقی به آن ورود کند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱–۱۸

منابع

ابوذری، مهرنوش و شفیعی، محمدرضا (۱۳۹۹). کاربرد قضایی هوش مصنوعی، تهران: میزان.

احمدوند، بهناز و جهانشاهی، آرتین(۱٤۰۲). بررسی تطبیقی مفهوم داده‌های شخصی در نظام حقوقی اتحادیه اروپا و ایران. فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۷، شماره۱.

انصاری، باقر(۱٤۰۰). حقوق داده‌ها و هوش مصنوعی، تهران: سمت.

انصاری، باقر(۱٤۰۱). مطالعه تطبیقی حمایت از دادههای شخصی در اروپا، آمریکا، چین و ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.

حسنی آهنگر، محمد (۱۳۹۵). اصول و مبانی هوش مصنوعی. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین.

زیودار، زهره (۱٤۰۱). کاربرد تکنیک‌های هوش مصنوعی در حوزه مالی و حسابداری، مجله مدیریت حسابداری، سال ٦، شماره ۸٤.

شهبازی، یاسر؛ حسین پور، سحر و مختاری، محسن (۱٤۰۱). کاربرد ابزار هوش مصنوعی در پیش بینی مصرف انرژی ساختمان، مجله معماری سبز، سال ۸، شماره ۱.

طهماسبی، محمدرضا (۱۳۸۵). رهیافت‌های بنیادی در هوش مصنوعی، مجله حکمت فلسفه، سال۲، شماره ۲.

عبدی، آیدا(۱۳۹٦). بررسی وضعیت فناوری هوش مصنوعی در ایران و جهان. دفتر مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین مجلس شورای اسلامی، سال اول، شماره ۹.

عظیمی، محمدحسن و اسماعیلی، سمیرا (۱٤۰۰). شناسایی مؤلفه‌های هوش مصنوعی در پایگاه‌های اطلاعاتی ایرانی. مجله دانش شناسی، دوره ۱٤، شماره ٥٤.

قناد، فاطمه و شریف، الهام (۱٤۰۰). مطالعهٔ اجمالی حمایت از داده‌های شخصی در نظام حقوقی ایران و سند مقررات عمومی حفاظت از داده‌های اتحادیهٔ اروپا. حقوق فناوری‌های نوین. دوره ۲، شماره٤.

کارکن، حبیب (۱۳۹۳). نگرشی انتقادی به هوش مصنوعی، مجله ذهن، سال اول، شماره ۳۸.

کیانپوریان، شیدا(۱٤۰۳). امکان‌سنجی اعمال دادرسی بر پایه هوش مصنوعی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد شهرکرد.

لطیف‌زاده، مهدیه(۱۳۹۷). حمایت از داده‌های شخصی و محدودیت‌های آن در حقوق ایران و اتحادیه اروپا، پایان نامه برای اخذ مدرک دکترا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

لطیف‌زاده، مهدیه؛ قبولی درافشان، سیدمحمدمهدی؛ محسنی، سعید و عابدی، محمد(۱٤۰۰). تحلیل بستر قانونی حمایت از داده شخصی در اتحادیه اروپا. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات. دوره ۳۷، شماره ۲.

مرتضوی، سیاوش (۱۳۸٤). هوش مصنوعی رهیافتی نوین، مجله کتاب ماه، سال اول، شماره ٤.

موسایی، زینب و کریمی نیا مهدی، انصاری مقدم، مجتبی (۱٤۰۰). تحلیلی بر کارکردهای هوش مصنوعی در علوم اسلامی، پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، سال ٤، شماره ٤۳.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱–۱۸

نجاتی، نریمان؛ کلانتری، سعیده و بمانیان، محمدرضا (۱٤۰۰). آموزش طراحی معماری مبتنی بر هوش مصنوعی، مجله معماری نوین، دوره اول، شماره ۱.

نظرپور، محمد؛ موسوی، سیدحسن و حسینی، میرسعید (۱۳۹۹). کاربرد هوش مصنوعی در حسابرسی مالیاتی. دانش حسابرسی، سال ۲۰، شماره ۸۱.

همتیان، آرزو(۱٤۰۰). اصول و مبانی نظم عمومی و ارتباط آن با قابلیت داوری دعاوی مربوط به حقوق مالکیت فکری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد فارسان.

Amabile, T. M. (1996). Creativity in Context. Westview Press.

Boden, M. A. (2016). AI: Its Nature and Future. Oxford University Press.

DMBoard. (2025). 18 AI content creation tools with Persian language support. Retrieved from https://dmboard.media/reports/best_ai_tools_for_content_creation/

Finck, Michele & Pallas, Frank (2020). "They who must not be identified—distinguishing personal from non-personal data under the GDPR", Max Planck Institute for Innovation and Competition Research Paper Series.

Georgieva, Ludmila & Kuner, Christopher (2022). Processing of special categories of personal data, in: C. Kuner & L. Bygrave, C. Docksey & L. Drechsler (eds.), The EU General Data Protection Regulation (GDPR), Oxford University Press.

Quera. (2024). 8 great AI article writing tools to try in 2024. Retrieved from https://quera.org/blog/content-writing-with-ai-2024/

Shneiderman, B. (2020). Human-centered artificial intelligence: Reliable, safe & trustworthy. International Journal of Human-Computer Interaction, 36(6), 495-504. https://doi.org/10.1080/10447318.2020.1741118

Sperling, Daniel (2024). Posthumous interests: legal and ethical perspectives, Cambridge University Press.

van der Sloot, Bart (2023). "Do privacy and data protection rules apply to legal persons and should they? A proposal for a two-tiered system", Computer Law & Security Review, 31(1).

Zoomit. (2025). Best AI writer content generator writing assistant. Retrieved from https://www.zoomit.ir/software-application/405352-best-ai-writer-content-generator-writing-assistant/

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مجله مطالعات حقوق

شماره ۵۵،
دوره ۱۵،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۳،
صص ۱-۱۸

Comparative Analysis of the Legal Protection of AI-Generated Works in the Legal Systems of Iran and the European Union

Mahboobeh Farshad[1]

Abstract

With the rapid advancement of modern technologies particularly artificial intelligence the process of creating literary, artistic, and scientific works is no longer the exclusive domain of human beings. AI systems are now capable of independently producing creative works without direct human involvement, works that are structurally and substantively comparable to those created by humans. This emerging phenomenon presents fundamental challenges to intellectual property (IP) law systems and raises key questions regarding the eligibility of these works for legal protection, as well as the identification of the rightful holder of such rights. In this context, the present article adopts a comparative approach to examine the legal status of AI-generated works within the legal frameworks of Iran and the European Union. The findings reveal that Iran's legal system faces significant shortcomings in this area, primarily due to the fact that existing laws are based on the assumption that the creator of a work is a human. As a result, current legislation does not accommodate the recognition of rights for independently machine-generated works. In contrast, the European Union has taken a more forward-looking approach, initiating efforts to draft regulations aimed at granting limited and conditional protection to such works. This divergence in legal perspectives highlights the urgent need for Iran to reassess and reform its IP policies to align with technological advancements and address the emerging needs in the field of intellectual property especially considering the increasing importance of AI-driven products in the near future and the growing significance of determining the legal status of works produced by this technology.

Keywords: Artificial Intelligence, Intellectual Property Rights, Copyright, Non-Human Works, Iran, European Union.

[1] Master's degree, Criminal Law and Criminology, Electronic Unit, Islamic Azad University, Iran (Corresponding Author)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]